

انتقاد هیئت‌رئیس‌ه مجلس از رفتار «سوپرانقلابی‌ها» و تأثیر این مدل رفتاری بر الگوهای کار آمدی

گریز از اصول

شرق: «انقلابی‌ماندن بهتر از انقلابی بودن است»، هشداری جدی از سوی مقام معظم رهبری به تندروهای مجلس که همچنان از سوی آنان جدی گرفته نشده است و سلیمی با یادآوری فرمایشات رهبری در دیدار با نمایندگان، گفته است: سوپرانقلابی‌ها مصلحت‌کشور و حق مردم را به راحتی کنار می‌گذارند و در برابر یک هجمه رسانه‌ای رنگ می‌بازند و تغییر رویه می‌دهند، این افراد می‌توانند به مجلس انقلابی آسیب بزنند. رفتار تندروها و تمایلشان برای به کرسی نشاندن هر آنچه مصلحت می‌داند صدای نمایندگان انقلابی مجلس را هم درآورده است. طیف رادیکال جریان اصولگرا در دو سال گذشته هزینه زیادی برای مجلس یازدهم دست کرده و با وجود اینکه با سرلیستی قالیباف وارد مجلس یازدهم شدند اما زمینه یک شکاف با جریان نواصولگرای و محمدباقر قالیباف را به وجود آوردند که به دلیل نوع رویکرد رئیس مجلس که مبتنی بر وحدت جریانی بود، عملاً آن چنان زمینه بروز رسانه‌ای پیدا نکرده بود اما کم نبوده مواردی که صدای بلند این اقلیت وجهه مجلس را در میان افکار عمومی تخریب کرده و مجلس را از مسیر اصلی خود دور کرده است. این جریان تندرو که به سوپرانقلابی‌ها

مشهور شده‌اند اگر پای منافعشان در میان باشد از شعارهای انقلابی هم دور می‌شوند و چشمان خود را بر منافع ملی می‌بندند. این جریان تندرو یک روز اعدام روحانی را می‌خواهند و یک روز دیگر برای به زیر کشیدن قالیباف از ریاست مجلس متحد می‌شوند. یک روز دیگر طرح مسدودسازی اینترنت را پیگیری می‌کنند و در مقابل نه فقط اکثریت مجلس که همه ملت می‌ایستند و می‌گویند «ما کار خودمان را می‌کنیم» و روزی دیگر در مقابل شفافیت آرای نمایندگان می‌ایستند و به کل طرح اولیه شفافیت را به محاق می‌برند. کم نیست روزهایی که تریبون مجلس به خط و نشان کشیدن و نادیده‌گرفتن حق ملت خلاصه شده است. از این رو علیرضا سلیمی با یادآوری دیدار مقام معظم رهبری با نمایندگان مجلس و فرمایشات ایشان درباره سوپرانقلابی‌ها، به آفت سوپرانقلابی‌ها برای مجلس انقلابی اشاره کرد و گفت: یکی از نکات حائز اهمیت این است که انقلابی‌گری به معنای فاصله‌گرفتن از رفتارهای عقلانی، تعمیق اندیشه‌ها و اعتقادات نیست. فرد انقلابی واقعی مسیر را تا انتها رصد کرده و هدفمند حرکت می‌کند و برخلاف سوپرانقلابی‌ها

در گفت‌وگوی «شرق» با محمدجواد حق شناس مطرح شد

رئیس‌جمهور «نمی‌خواهد» یا «نمی‌تواند» برجام را احیا کند؟

عبدالرحمن فتح‌اللهی: آغاز قرن یازدهم هجری شمسی برای ایران خوش‌یمن نبود. ابتدا که آزادسازی نرخ آزاد، نان و حذف ارز ترجیحی کالاهای اساسی عملاً توان نجات معیشتی مردم را برای گذران امور کاهش داد. این‌روزها هم که حوادث تلخ آبادان داغ تازه‌ای بر دل همه است.
باین‌حال اگرچه این‌روزها شاهد انتقاد به عملکرد دولت سیزدهم هستیم اما نباید از بررسی عمیق‌تر اقدامات و تصمیمات رئیس‌جمهور، وزرای این دولت و حتی جریان حامی وی بدون

جانبداری و جبهه‌گیری غافل بود. دراین‌بین با گذشت حدود یک‌ماه از جراحی اقتصادی دولت هنوز هم سوالات و ابهامات زیادی بر زمین مانده که کماکان محل بحث و جدل است. درعین‌حال عملکرد دولت در حوزه سیاست خارجی هم مانند حوزه سیاست داخلی و اقتصاد محل سؤال است؛ خصوصاً با‌درهوا ماندن احیای برجام و تداوم بن‌بست مذاکرات وین که گویا حتی با وساطت امیر قطر و سلطان عمان هم راه به جایی نبرد.
به موازات آن تروپ شهید صیادخدایی و حمله به تأسیسات پارچین که به ادعای رسانه‌های آمریکایی منتسب به اسرائیل است، وضعیت به‌مراتب پیچیده‌تری به دست می‌دهد.
خاصه آنکه باید توقیف دو نفت‌کش یونانی را هم به این معادله اضافه کرد.
با در نظر گرفتن جمع‌نکات یادشده به نظر می‌رسد آسیب‌شناسی عمیق‌تری از وضعیت کشور در ۲۷۹ روزی که از عمر کابینه سیزدهم می‌گذرد، می‌تواند تحلیل روشن‌تر و درعین‌حال جامع‌تری به دست دهد که چرا دولت در این شرایط سیاست‌های پرهزینه‌ای را چه در حوزه اقتصادی یا دیپلماتیک و چه سایر حوزه‌ها اجرایی کرده است.
محمدجواد حق شناس جزء آن دسته از صاحب‌نظرانی است که علاوه بر فعالیت‌های سیاسی و حزبی به‌واسطه عضویت در حزب اعتماد ملی و همچنین حضورش در شورای شهر پنجم تهران و وقوف به حیطه شهری و شهروندی، دستی هم بر حوزه سیاست خارجی دارد.
اینجا علاوه بر سابقه روزنامه‌نگاری وی است؛ بنابراین «شرق» گفت‌وگویی با ایشان انجام داده تا نمایی کلی از سیاست داخلی و خارجی دولت و نیز وضعیت اجتماعی و معیشتی جامعه به دست آید.

● **با وجود آنکه این احتمال وجود دارد که دولت به‌دلیل ناامیدی از احیای برجام، لغو تحریم‌ها و دست‌رسی به اموال بلوکه‌شده نهایتاً مجبور به حذف ارز ترجیحی شد، اما به نظر می‌رسد در این شرایط حساس و ملتهب اجتماعی – معیشتی عجلاناً سؤال مهم‌تری که باید پرسید بر سر نحوه حذف این ارز است. قاطبه کارشناسان و اقتصاددانان پیرامون حذف ارز ترجیحی متفق‌القول بوده و هستند، اما درخصوص شیوه حذف آن و زمان این جراحی اقتصادی اختلاف‌نظر وجود دارد. از این منظر آیا شما شیوه زمان و نحوه عملکرد دولت سیزدهم را درست می‌دانید؟**

اساساً دولت سیزدهم حذف ارز ترجیحی را به‌عنوان سیاستی برای کاهش هزینه‌ها و تأمین بخشی یا تمام کسری بودجه خود در دستور کار قرار داده است. این ربطی به فسادزایبودن یا نبودن این ارز ندارد. درناتنی بی‌شک ارز ترجیحی فسادهای کلانی در عرصه اقتصاد به وجود آورده است، اما شیوه کار دولت در حذف این ارز، آن هم در این بازه زمانی که شرایط اقتصادی و معیشتی کشور با چالش‌های متعددی مواجه هست، جای نقد دارد.
به نظر من سؤال مهم‌تری که باید از دولت پرسید این است که آیا دولت به نام مبارزه با فساد ناشی از ارز ترجیحی باید حذف این ارز، تشدید تورم و افزایش فشار معیشتی به مردم را پیش می‌برد یا اینکه جا داشت دولت و کابینه سیزدهم به‌جای حذف ناگهانی این ارز، آن هم با این شیوه، نظارت‌ها بر ارانت‌ها و فسادهای ناشی از ارز چهارهزارو ۲۰۰ تومانی بیشتر می‌کرد تا نه کل این فساد که بخش عمده آن کنترل و مدیریت شود و به‌دنبالش حذف کامل این ارز در زمان و جای درست که اقتصاد کشور از یک شرایط پایدار و ثبات نسبی برخوردار بود انجام می‌شد.
واقعا دولت می‌توانست درباره تخصیص این ارز به شرکت‌ها، افراد، واردکنندگان، صادرکنندگان، فعالان اقتصادی و… به‌راحتی عمل کند، چون دست دولت و دست‌ساده‌های نظارتی در حمایت از رئیسی کامل‌ا باز است. بانک مرکزی هم می‌تواند عوامل فسادزای ارز ترجیحی را برای دولت سیزدهم شناسایی کند، اما رئیسی در این شرایط که بحران اقتصادی در کشور موج می‌زند، ساده‌ترین راه را انتخاب کرد.

● **اگر مفروض سؤال نخست ناظر به ارتباط نگاه دولت برای لغو تحریم‌ها و احیای برجام با حذف ارز ترجیحی را درست بدانیم، فارغ از اینکه تعیین مبانی سیاست خارجی و تعیین تکلیف مواردی چون برجام فراتر از حیطه تصمیم‌گیری دولت‌هاست، اما اگر صرفاً روی حوزه تأثیر دولت‌تمرکز کنیم این سؤال به ذهن متبادر می‌شود که رئیسی «نمی‌خواهد» یا «نمی‌تواند» برجام را احیا کند؟ به معنای دقیق‌تر شخص رئیس‌جمهور است که تمایلی به احیای برجام ندارد یا از جانب برخی شخصیت‌ها، جریان‌ها و جناح‌ها فشارهایی به پاستوربنی بر عدم احیای برجام وارد شده است؟**

برای پاسخ به این سؤال باید یک آسیب‌شناسی از سال آخر عمر دولت روحانی داشته باشیم. در یک سال پایانی عمر دولت دوازدهم آقای طریف و تیم دیپلماتیکش سعی کرد مقدمات احیای برجام را با برگزاری نشست وین فراهم کند. آن‌گونه که مطرح است دولت سابق توانسته بود تا حد بسیار زیادی به توافق نزدیک شود. بنا به نقل قول‌های قابل توجهی که حداقل تا به اکنون تکذیبی آن را نشنیده‌ایم احیای برجام در دولت روحانی نهایی شده و بر سر همه مسائل با ایالات متحده توافق صورت گرفته بود، اما برخی کارشنکی‌های مجلس یازدهم و نیز فشار جریان‌های دیگر که تمایلی برای انجام توافق در دولت روحانی نداشتند سعی شد این توافق موکول به دولتی شود که هماهنگی و همسویی بیشتری با آنها دارد. اگرچه در دولت آقای رئیسی هم به نظر می‌رسید تلاش‌های دیپلماتیک تیم سیاست خارجی وی برای احیای برجام قابل قبول بود و حتی تحرکات سعی شد این توافق موکول به دولتی شود که هماهنگی و همسویی بیشتری با آنها دارد.
اگرچه در دولت آقای رئیسی هم به نظر می‌رسید تلاش‌های دیپلماتیک تیم سیاست خارجی وی برای احیای برجام قابل قبول بود و حتی تحرکات دیپلماتیک موازی برای ارتقای روابط با همسایگان نیز در دستور کار قرار گرفت که نشان می‌دهد دولت علاقه‌مند است از این وضعیت در حوزه سیاست خارجی با برداشتن گام‌های جدی و بلند به‌واسطه احیای برجام خارج شود. ولی معتقدم بخشی از هم‌راهان دولت باز هم مانند دوره روحانی سعی در کارشکنی دارند.
● **به چه دلیل؟**

چون مشکل آنها دولت رئیسی نیست، بلکه خود برجام است؛ بنابراین از

همان آغاز حیات توافق هسته‌ای این جریان با آن مخالف بوده، حتی الان که دولت مدنظرشان روی کار آمده است، مخالفان و پایداری‌ها کماکان بر طبل مخالفت با احیای برجام می‌کوبند. پس حداقل در این بخش، نه‌تنها دولت آقای رئیسی و تیم سیاست خارجی وی از همراهی جبهه پایداری برخوردار نیست، بلکه تلاش‌هایی برای عدم احیای برجام از جانب این جریان، هم در خود دولت و هم در مجلس صورت گرفته است که نهایتاً ما شاهد این وضعیت در مذاکرات وین هستیم.

● **یعنی شما قائل به نوعی تقابل و دوقطبی درون‌حزبی در احیای برجام هستید؟**

بله، واقعا نوعی تقابل زیر پوست دولت و در نگاهی کلان‌تر جریان یک‌دست‌شده قدرت بر سر احیای برجام شکل گرفته است که در یک سوی آن رئیسی و بخشی از بدنه دولتش تمایل دارند مذاکرات وین به نتیجه برسد و در آن سو مخالفت‌های جدی، هم در بخشی از کابینه و هم در مجلس یازدهم درباره این مهم وجود دارد که به یک «پارادوکس سیاسی» در دولت آقای رئیسی بدل شده است.
به نظر من جبهه پایداری، هم در مجلس و هم در کابینه سیزدهم یک پای دولت را به «گروگان» گرفته است و اجازه حرکت به رئیس‌جمهور در احیای برجام را نمی‌دهد.

● **با این تفاسیر آیا دولت نهایتاً با حذف ارز ترجیحی «تیر خلاص» را به مذاکرات وین زده است؟**

تمام آنچه گفتم، لزوماً به این معنا نیست که دولت با حذف ارز ترجیحی تیر خلاصی به برجام و مذاکرات وین زده است. همان‌گونه که گفتم و دوباره هم تکرار می‌کنم، شخص رئیسی به‌خصوص از زمانی که وارد پاستور شدند و با واقعیت‌های حوزه اجرایی از نزدیک درگیر هستند، بیش از گذشته به این واقعیت و درک رسیده‌اند که برای مدیریت شرایط کنونی باید احیای برجام در اولویت قرار بگیرد. در همین راستا سه‌شنبه گذشته شاهد سفر انزلیکه مورا، معاون جوزف بورل، به ایران بودیم و پنجشنبه هم امیر قطر به ایران سفر کرد. بعد از آن حسین امیرعبداللهیان و علی شمخانی مواضع مثبت و سازنده‌ای برای ازسرگیری مذاکرات وین عنوان کردند؛ پس بخشی از بدنه دولت و خود رئیسی با توجه به مشکلات و چالش‌های کنونی در حوزه معیشتی اکنون ضرورت حصول توافق در وین را قبول کرده‌اند؛ ولی مشکل بخشی از بدنه دولت سیزدهم و مجلس یازدهم است که در برابر این نگاه رئیسی قرار دارد و از هیچ تلاشی برای عدم احیای برجام دریغ نمی‌کنند.

● **ولسی جناب حق شناس برای افکار عمومی مهم این است که فعلاً شاهد بن‌بستی ۶۹روزه در مذاکرات وین هستیم. دراین‌بین قطعاً شخص رئیس‌جمهور**

و رئیس شورای عالی امنیت ملی باید پاسخگو باشد. غیر از این است؟

نکته شما درست است. من باز هم تأکید می‌کنم آقای رئیسی تمایل دارد برجام احیا شود؛ درعین‌حال نمی‌تواند با این سیاست کج‌دار و مریز در برابر مخالفان احیای برجام، هم در دولت خود و مجلس یازدهم سکوت کند. آقای رئیسی باید با صراحت، صداقت، هوشمندی و درعین‌حال شفافیت وضعیت کنونی در دولت، حداقل پیرامون مذاکرات برجامی را برای افکار عمومی شرح دهد و نظر خود را درمورد برجام به اطلاع افکار عمومی برساند. رئیس‌جمهور باید بگوید که چه کسانی در مجلس یا دولت مانع احیای برجام می‌شوند. این پرده‌پوشی در شرایط کنونی جامعه به صلاح نیست. سیاست‌مدار قبل از هر چیزی به یک «قاطعیت» نیاز دارد. به نظر من دولت از این قاطعیت برای تعیین تکلیف مسائل برخوردار نیست و سعی می‌کند رضایت نسبی همه را داشته باشد. قطعاً این نگاه شکست‌خورده است؛ چون نمی‌شود یک طرف رضایت‌پایداری‌ها را به دست آورد و از آن طرف برجام را احیا کرد. این دو با هم جمع نمی‌شوند.

● **چاره چیست؟**

هنر سیاست و سیاست‌مدار تصمیم‌گیری در شرایط بحرانی و سخت است. امروز متأسفانه بخش عمده جامعه از برخی تصمیمات دولت رنج می‌برد. ما شاهد اعتراضات مردم هستیم که به خاطر تشدید فقر، اوج‌گیری بحران معیشت و کوچک‌شدن سرفره‌ها انجام می‌شود؛ نمی‌توان اینها را نادیده گرفت؛ بنابراین

اهداف بلند در سر دارد. عضو هیئت‌رئیس‌ه مجلس شورای اسلامی تصریح کرد: گردنه‌هایی در مسیر وجود دارد و فرد یا مجلس انقلابی در برابر این سختی‌ها کم نمی‌آورد و سُست نمی‌شود اما برخی سوپرانقلابی‌ها که هدفمند هم یا به میدان نگذاشته‌اند و در حوزه اندیشه و اعتقاد با مشکل مواجهند، از عقلانیت انقلابی فاصله گرفته‌اند و در همین گردنه‌ها سُست شده و به سرعت و با شیب تند به عقب برمی‌گردند. وی در ادامه اظهار کرد: مجلس انقلابی باید دقت کند که اسیر احساسات نشود. سوپرانقلابی‌ها به دور از آموزه‌های اصیل و خودسازی، تصور می‌کردند انقلابی‌گری به این معناست که بر سر سفره انقلاب بنشینند. در واقع این افراد دنبال سهم‌خواهی بودند لذا چون سهمی دریافت نکردند از انقلاب فاصله گرفتند و برخی از آنها حتی از انقلابی‌گری توبه کردند.

سلیمی یادآور شد: یکی از اشکالات سوپرانقلابی‌ها این است که تنها خودشان را می‌بینند و از اصول فاصله گرفتند و در مسیر مبارزه جاقو به دست گرفتند و شهید بهشتی، مطهری و رجایی را ترور کردند، منافقین مصداق بارز این دسته از افراد بودند.

به همین جهت مقام معظم رهبری بر استقامت تأکید کردند و ما هم باید با تلاش در برابر سختی‌های این مسیر، مقاومت کنیم.

نماینده مردم دلپجان و محلات در مجلس یازدهم در توضیح چگونگی آسیب سوپرانقلابی‌ها به مجلس انقلابی و تفاوت این گروه از افراد با مجلس انقلابی، گفت: سوپرانقلابی‌ها خود را حق مطلق می‌دانند و تصور می‌کنند سایرین باطل هستند، لذا ما نباید خود را حق مطلق بدانیم چراکه این مسئله یک آسیب خواهد بود. همان‌طور که رهبری اشاره کردند سوپرانقلابی‌ها به راحتی با آبروی مردم بازی می‌کنند و کسانی هستند که تحت تأثیر جو قرار می‌گیرند، مجلس انقلابی اگر در موضوعی به نکته‌ای یا نظری واحد دست پیدا می‌کند باید محکم بر نظرش ایستادی و مردم را توجیه کند. سلیمی با بیان اینکه سوپرانقلابی‌ها به راحتی از مواض و اصول انقلابی عقب‌نشین می‌کنند، افزود: سوپرانقلابی‌ها کسانی هستند که مصلحت‌کشور و حق را به راحتی کنار می‌گذارند و در برابر یک هجمه رسانه‌ای رنگ می‌بازند و تغییر رویه می‌دهند، این افراد می‌توانند به مجلس انقلابی آسیب بزنند.



تربیم‌کنند که اگر این دولت می‌خواهد به خواست مردم توجه کند، نمی‌تواند از مسئله برجام و نهایی‌شدن آن غفلت کند یا راه توسعه اقتصاد و بهبود معیشت مردم این راهی نیست که در آن قدم گذاشته است.

● **قدری روی موانع بیرونی عدم احیای برجام هم تمرکز کنیم. با توییت چندی پیش میخائیل اولیانوف، آن هم فقط به فاصله ساعاتی از مواضع مثبت جوزف بورل، حسین امیرعبداللهیان و علی شمخانی مسجل شده که نگاه ضدبرجامی روسیه کماکان ادامه دارد و با تداوم جنگ اوکراین این نگاه تقویت هم شده است. بنابراین در صورت آغاز مذاکرات، مسکو دوباره ساز ناکوک خود را علم می‌کند. پس تا اینجا تکلیف روسیه که روشن است. اما سؤال مهم‌تری که خودنمایی می‌کند، این است که اگر شاهد ازسرگیری مذاکرات وین باشیم، آیا تهران به دلیل نفوذ جریان روسوفیل یا هر دلیل دیگری کماکان وابسته به مسکو عمل خواهد کرد و بیرو آن بازهم شاهد شکست گفت‌وگوها و قربانی شدن احیای برجام پای طمع دیپلماتیک کرملین و شخص پوتین، آن‌هم در این بحران معیشت داخلی خواهیم بود؟**

اولاً به نظر نگاه ضدبرجامی مسکو معطوف و محدود به جنگ اوکراین نیست، اگرچه این جنگ تشدیدکننده کارشکنی‌های روسیه در وین بود. چنانچه به همان فایل صوتی معروف آقای طریف بازگردیم، می‌بینیم که مخالفت‌های روسیه با برجام از روزهای ابتدایی مطرح بوده است. دراین‌بین تکذیب‌های مکرر لاوروف هم چیزی از واقعیت و اصل ماجرا یعنی نگاه ضدبرجامی روسیه از ابتدا تا به الان کم نمی‌کند. چون این سخنان از زبان کسی مطرح می‌شود که به‌عنوان وزیر نفوذ جمهوری اسلامی ایران مسئولیت مستقیم مذاکرات را بر عهده داشته است. ببینید روسیه چه قبل از جنگ اوکراین و چه بعدازآن همواره با برجام مخالف بوده است، ولی به دلیل اشتباه راهبردی پوتین در تجاوز به اوکراین و به کل نشستن مسکو در باتلاق این جنگ قطعاً نگاه ضدبرجامی کرملین پررنگ‌تر از گذشته خواهد بود. چون از یک سو احیای برجام، لغو تحریم و فروش نفت و گاز ایران در بازارهای جهانی به‌عنوان پرکننده خلأ انرژی روسیه عمل می‌کند که به دنبال آن اهرم نفوذ روسیه بر بازار انرژی جهانی در شرایط حساس کنونی که شاهد تقابل تمام‌عیار مسکو و غرب هستیم، ناکارآمد می‌شود. از طرف دیگر حصول توافق در وین عملاً اهرم فشار دیگر روسیه در برابر آمریکا و اروپا یعنی پرونده فعالیت هسته‌ای ایران را هم کنار می‌گذارد. پس طبیعی است احیای برجام دشمن منافع روسیه در ابعاد مختلف است. نکته دیگری که باید به آن اشاره کرد، این است که اگر از نگاه داخلی و به واکند روسیه نگاه کنیم، آن‌را نادرست و حتی غیراخلاقی می‌دانیم، ولی اگر بخواهیم از منظر روسیه این رفتار را مورد ارزیابی قرار دهیم، به دلیل همان نکاتی که قبل‌تر گفتم قطعاً سیاستی هوشمندانه و مبتنی بر منافع ملی است؛ کم‌اینکه هر کشوری بر اساس منافع ملی خود در حوزه سیاست خارجی عمل می‌کند. پس سؤال اینجاست چرا جمهوری اسلامی ایران نباید با استقلال سیاسی، منافع خود را دنبال کند. البته این جمله من لزوماً به معنای تقابل با روسیه نیست بلکه اتخاذ یک دیپلماسی هوشمند، منعطف و فراگیر است که بتواند مناسباتی درست را با همه طرف‌ها و کشورها در مسائل گوناگون تعریف کند. نه تقابل با روسیه و چین و نه جنگ با آمریکا و اروپا نمی‌تواند به وضعیت کنونی کشور کمک کند. بهترین راه تعامل با همه بازیگران منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای است.

● **پاسخ سؤالر را نگرفتم. آیا در صورت ازسرگیری مذاکرات وین، تهران به دلیل نفوذ جریان روسوفیل یا هر دلیل دیگری کماکان وابسته به مسکو عمل خواهد کرد؟**

واقعا نمی‌توان پاسخ قطعی به این سؤال شما داد. اما دولت باید پاسخی برای عملکرد دیپلماسی خود داشته باشد. ملت ایران، چه اکنون و چه در آینده هیچ‌گاه اهمال در نادیده‌گرفتن منافع ملی را نمی‌بخشند. پس دیپلماسی باید پای خود را از دام دیپلماتیک روسیه در مذاکرات وین بیرون بکشد. همچنانی که آقای رئیسی هم باید پای خود را از جبهه پایداری خلاص کند و تلاش جدی برای احیای برجام و لغو تحریم‌ها با هدف بهبود وضعیت معیشتی مردم داشته باشد تا مدیون مردم، تاریخ و آینده ایران نبود.